

ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید مضمون بسیار عجیب ...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۳۲۱

در مسئله طبیعت

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامه شما رسید مضمون بسیار عجیب زیرا این شبهات تازه اشتباه نیافته قرون و اعصار متوالیه است که در اروپا این زمزمه بلند است و همچنین در قرون اولی در آسیا انتشار داشت ولی در هر عهد قوه نافذه کلمه الله بنیان این شبهات برانداخت و نور مبین مانند آفتاب اشراق نمود چه که ادله و براهین این یخزدان اوهن از بیت عنکبوت و در نهایت سستی و ضعف مشهود هرچند غافلان ایران متابعت مادیون فرنگیان خواهند و پیروی طبیعیون اروپا تقلید آرزو دارند ولی از قواعد و اصول آنان بیخبرند و از ادله و حجج و موضوع و محمول ایشان بی اطلاع اروپائیان در مذهب طبیعی بحسب فکر و آرای خویش محققند ولی طبیعیون ایران مقلد لهذا با فرنگیان در این مسئله مباحثه و بیان آسان زیرا بقاعده و دلیل صحبت میدارند و انسان بقاعده جواب میدهد ولی با این مقلدان ایران بسیار مکالمه مشکل است زیرا آنچه میگویند صرف مدعاست نه دلیل و نه برهان مثلاً مسئله عناصر نچنین است که ایرانیان میگویند علمای طبیعیون این مسئله را چنین ترتیب میدهند و بر این اساس جمیع مسائل طبیعی را تأسیس مینمایند زیرا این اصل مذهب آنان است و مسائل دیگر بتمامها فروع و آن اینست که در عالم وجود عناصر بسیطه هر یک جزء واحد است و قابل تجزّی و تفصیل نیست و جمیع کائنات ترکیب این عناصر مفرده یعنی مرکب از اجزاء متنوعه اند یعنی عناصر بسیطه را تشبیه بحروف نمایند و حروف تجزّی نشود مثلاً الف مفرد است این را از هم تجزّی نتوان نمود اما کائنات سائر بمنزله کلمه اند که مرکب از حروف متعدده اند کلمه را تفصیل و تجزّی توان نمود باری گویند که چون در جمیع موجودات ملاحظه نمائی واضح و مشهود است که این عناصر بسیطه بصور نامتناهیة منحل و ترکیب شده است و هر ترکیبی کائی از کائنات موجوده و چون این ترکیب تحلیل گردد عدم نسبی و اضافی تحقق یابد زیرا عدم محض را مستحیل و محال دانند مثلاً گویند اجزائی ترکیب شده است و از آن ترکیب انسان تحقق یافته چون این ترکیب تحلیل گردد این هیکل بشری از میان برود ولی آن اجزاء اصلیه و عناصر فردیه باقی و برقرار است پس تحقق کائنات از ترکیب است و تشّت موجودات از تحلیل و این ترکیب و تحلیل متتابع و مترادف و مستمر در این صورت چه احتیاج بحیّ قدیر این خلاصه برهان آنان و دلیلشان



ORIGINAL

بزعیشان واضح و عیان در وقت بحث این مسئله را تأسیس نمایند چون این مسئله مبنی بر قواعد و اصول است لهذا جواب آسان و بکمال اختصار بیان بطلان این قضیه میتوان نمود چنانچه با فلاسفه اروپا و امریکا بتکرار این مسئله در میان آمد و بچند کلمه جواب قناعت نمودند و تسلیم کردند در جواب گفته شد که این ترکیب که اساس وجود و سبب حیات کائنات است از اقسام ثلاثه ترکیب کدام یک است زیرا ترکیب سه قسم است یا تصادفی است یا لزوم ذاتی و یا ارادی یعنی تحت اراده الهیه اگر بگوئیم ترکیب کائنات تصادفی است معلول بی علت لازم آید و این ممتنع و محال است که معلول بی علت تحقق یابد بطلان این قضیه بدیهی است و اگر این ترکیب لزوم ذاتی است در این صورت تحلیل ممتنع و مستحیل ابدیت و سرمدیت از لوازم ذاتیه آن این هم که نیست پس چه ماند ترکیب ارادی یعنی باراده حی قدیم هذا هو الحق و ما بعد الحق الا الضلال المبين و در این مورد در سؤال و جواب مس بارنی بحثی دقیق در این قضیه گردیده

و اما تفاوت بین نفوس و پستی و بلندی و برتری و بهتری بدان که فلاسفه در این مسئله بر دو قسمند قسمی بر آنند که این بهتری و برتری و تفاوت بین بشر در اصل خلقت است و باصطلاح آنها از مقتضای عالم طبیعت است و گویند که تفاوت بین نوع واضح است که طبیعی است مثلاً نوع اشجار تفاوت و امتیازشان طبیعی است و حیوان نیز تفاوت طبیعی را دارد حتی در جماد نیز تفاوت طبیعی است یکی معدن سنگ است و دیگری معدن لعل پر آب و رنگ یکی صدف است و دیگری خزف و قسم دیگر از فلاسفه قدما بر آنند که تفاوت بین بشر و امتیاز عقول و هنر از تربیت است زیرا شاخ کج تربیت راست گردد و درخت بی ثمر بیابانی بستانی شود و پیوند گردد و بارور شود و شاید تلخ است شیرین شود میوه اش صغیر است کبیر گردد و لذت و حلاوت یابد و برهان اعظم شان این است که زنگیان افریک قاطبه وحشی و نادانند و متمدنان امریک قاطبه دانا و هوشمند و این واضح است که تفاوت این دو فرقه مبنی بر تجربه و تربیت است این قول فلاسفه و حکاست ولی انبیا بر آنند که در اصل فطرت تفاوت مسلم است و مبرهن و فضلنا بعضکم علی بعض قضیهئی محتوم و معلوم البته نفوس بشر در اصل فطرت مختلفند اگر اطفالی معدود از یک پدر و یک مادر در مکتب واحد بتعلیم واحد و تربیت واحده و به غذا و طعام واحد پرورش یابند بعضی بنهایت علم و درایت رسند و بعضی متوسط باشند و بعضی بهیچ وجه تعلیم نگیرند پس معلوم شد که تفاوت در بین بشر از تفاوت مراتب و خلقت است و همچنین تعلیم و تربیت را نیز تأثیری عظیم مسلم و مقرر دانند مثلاً اگر طفل از دبستان محروم ماند البته جاهل و نادان ماند و معلوماتش محصور در اکتشافات خویش باشد و چون نزد ادیب دانا تحصیل علوم و معارف نماید بر اکتشافات هزاران نفوس از بشر اطلاع یابد پس تعلیم اهل ضلالت را سبب هدایت شود و کوران را علت بینائی گردد بیخردان را دانا کند یحاصلان را سبب بزرگواری شود انسان ابکم را ناطق کند و جفر کاذب را صبح صادق نماید دانه صغیر را نخل باسق نماید و عبد ابق را ملوک فائق فرماید لهذا البته تربیت تأثیر دارد و نظر باین حکمت است که مظاهر غیب احدیت و مطالع رحمانیت در عالم بشریه مبعوث گردند تا نوع انسان را بنفحات قدس تربیت نمایند و طفل رضیع را رجل رشید کنند محرومان ناسوت را محرمان لاهوت گردانند و بی نصیبان را بهره و نصیب دهد ای ثابت بر پیمان رساله ترتیب مس بارنی را که در اروپا طبع شده است از طهران بطلبید در این مسئله و شبهات دروین فیلسوف انگلیس که مقتدای طبیعیون اروپست مفصل مخاطباتی شده است

اما عبارتی که مرقوم فرموده بودید عناصر محسوسه را موجد و مولد اشیای موجوده دانند پس در این صورت عناصر که موجد و مولدند هر یک از الهه هستند چه که ایجاد صفت الهه است در این صورت طبیعیون ایران معتقد بالهه هستند ولی الهه متعدده غیر متناهی ملاحظه نمائید که بیان چگونه مشوش است ولی طبیعیون اصلین اروپا چنین نگویند بر آنند که

عناصر بسیطه بصور نامتناهیه ترکیب گردد و هر صورتی کائنی از کائنات شود و چون تحلیل یابد آن کائن عدم اضافی یابد

و اما مسائل دیگر که بحث و نقل از طبعیون نموده بودید که فرد اکمل در نوع بشر دارای کمالات نامتناهیه است و از شدت ذکا و فطانت کشف اسرار کائنات نماید و از هزار سال بعد خبر دهد این مانند دانه افشانی است که مرغان معصوم را شکار کنند و مقصدشان اینست که باین وسائل در بدایت با متدینین بالله محاوره و مجالست و مؤانست نمایند تا کم کم از صراط مستقیم منحرف کنند

ای احبای الهی باید هر یک در این مسائل چنان ملکه حاصل کنید که بقوة برهان انبیا و رسل الهی نادانان و نوهوسان را لسان قطع نمائید زیرا انبیای الهی نفوس مقدسه عالم انسانی و اما مادون ایشان اسیر و مفتون طبیعت و شیطان نفسانی البته مظاهر رحمانی غالب بر تمایل حیوانی گردد و انذارات جمال مبارک بملوک ارض بنهایت صراحت بدون تأویل است و احتیاج تفسیر ندارد در اثبات قوة قدسیه ما وراء الطبیعه برهان کافی وافی است سور ملوک را مطالعه نمائید و خطابه های شدید را دقت کنید و انذارات عظیمه را ملاحظه نمائید و خطاب یا ایها النقطه الواقعة بین البحرین را تمعن فرمائید و خطاب به طهران را نیز اندک ملاحظه کنید و خطاب بسواحل نهر رین را از نظر بگذرانید و تطبیق بوقوعات حاصله کنید که جمیع این انذارات در مدتی قلیله تحقق یافت آیا بادراک بدکاء طبیعی کشف این وقوعات مهمه در اندک زمان پیاپی ممکن است و تحقق این وقوعات در ایام قلیله تصور میشود لا والله مگر آنکه بقوة ملیک مقتدر تحقق یابد و بکلمه نافذهاش مجری کند و از پیش خبر دهد فرصتی نیست والا از این مفصلتر مرقوم میشد و علیک البهآ الأبهی ع ع